

چرا و چگونه یک استاد تاریخ از آینده بشریت خبر می‌دهد؟

قد گفتوگوی بی‌بی سی با یووال نوح هراری، استاد دانشگاه در اسرائیل

□ حمزه گرمی

اخیرا تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی مصاحبه‌ای با هراری استاد تاریخ دانشگاه عبری بیت‌المقدس درباره اتفاقات غزه و جنگ بین حماس و اسرائیل ترتیب داده بود. در آن مصاحبه و سایر مصاحبه‌ها هراری در قامت کسی که آینده را پیش‌بینی و تحلیل می‌کند ظاهر شده و از آینده خبر می‌دهد.

هراری زاده ۲۴ فوریه ۱۹۷۶ میلادی در اسرائیل است. استاد تاریخ دانشگاه عبری بیت‌المقدس، فیلسوف و نظریه‌پرداز است که تاکنون سه کتاب مطرح به نام، انسان خردمند (درباره تاریخ مختصر بشر)، انسان خداگونه (درباره تاریخ مختصر آینده) و ۲۱ درس برای قرن ۲۱ میلادی از او منتشر شده است.

او دکترای تاریخ خود را از دانشگاه آکسفورد گرفته و در تل‌آویو اسرائیل زندگی می‌کند. معتقد به همجنس‌بازی است و با رییس دفتر خود که پسر جوانی به نام «ایتزیک یهو» است ازدواج کرده است! او در مصاحبه با بی‌بی‌سی جز مخالفت با مدیریت نتانیا هو، در سایر حرفه‌هایش از جمله نابودی حماس، حرفه‌های تندروهای صهیونیست را تکرار کرد. علت مخالفت او با نتانیا هو نیز به دلیل آن است که وی جزو مارکسیست‌ها و روشنفکران و سکولارهای اسرائیلی است.

در اسرائیل دو جناح وجود دارد. یک جناح تندرو و مذهبی که در کابینه تندرو نتانیا هو جمع شده‌اند و اعتقادی به تشکیل دو دولت فلسطینی و اسرائیلی ندارند و در حال تشکیل و احداث و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین هستند و جناح مقابل که مقداری معتدل‌تر هستند جناح غیرمذهبی و سکولارند که با مذاکرات صلح موافقند و تشکیل دو دولت اسرائیلی - فلسطینی را قبول دارند. برخلاف جناح تندرو با شهرک‌سازی‌ها و... هر آنچه با مذاکرات صلح سازگاری ندارد مخالفند و

هراري جزو جناح دوم است ولي آنها حكومت خودگردان به رياست محمود عباس را طرف فلسطيني خود ميدانند و حماس و جهاد اسلامي را قبول ندارند.

همين بخش از مصاحبه او كه با نتانياهو مخالفت مي‌كند مورد توجه افكار عمومي داخل و خارج قرار گرفته است، در حالي كه هراري در همين مصاحبه، ۷۰ سال اشغال فلسطين و تجاوزگري اسراييل را نادیده مي‌گيرد و صرفاً به حمله اخير حماس متمرکز شده و آن را دستاويزي براي توجيه بمباران‌ها و كشتار دسته‌جمعي و نسل‌كشي و نابودي غزه و فلسطين قرار مي‌دهد و دهه‌ها تجاوزات اسراييل و انسان‌كشي و كشتن كودكان و به اسارت بردن زنان و تجاوز به آنها را نادیده گرفته و كم‌اهميت جلوه مي‌دهد!!

در اينجا قصد ندارمديدگاه‌هاي او را به چالش بکشم زیرا نژادپرستي از همه دیدگاه‌هايش نمايان است بلکه درصدم از میان مصاحبه‌هاي متعدد او كه به وسيله تسلط و حاکميت يهوديان و صهيونيست‌ها بر خبرگزارهاي و تلويزيون‌ها و رسانه‌هاي جهاني هر هفته او را در آنتن مطرح و از او بزرگ‌نمايي مي‌کنند، دیدگاه‌ها و ماموريت او را توضيح دهم و پاسخ پرسش اساسي عنوان اين مقاله، در مورد اينكه چگونه او از آينده خبر دارد را براي دوستان خواننده آشكار سازم!

انسان‌هاي معمولي اعم از فيلسوفان، تاريخ‌دانان، جامعه‌شناسان و... تاکنون از آينده خبر نداشته‌اند و هيچ‌کسي در طول تاريخ قادر به غيب‌گويي نبوده و اگر پيامبران هم خبري از آينده مي‌گفته‌اند از سوي خداوند مطلع مي‌گشته‌اند و خود علم غيب نداشته‌اند.

حال چگونه است فردي در قامت استاد تاريخ و فيلسوف، از آينده بشريت خبر مي‌دهد؟ و خبرهاي او نه تنها در آنتن تلويزيون‌ها و مديا و رسانه‌هاي جهاني پوشش داده ميشود بلکه تعمدي در چهره‌سازي از او نيز مشاهده ميشود كه غيرقابل كتمان است!

البته جامعه بشري قبل از ايشان، چهره‌هاي ديگري مانند اِستيون هاوكينگ فيزيكدان قرن بيستم، در دهه ۱۹۸۰ ميلادي را تجربه کرده كه هر روز خبري از آينده هولناك بشريت را تئوريزه و مطرح مي‌کرد و با خبرسازي‌هاي خود افكار عمومي جهان را به نفع جريانات پشت صحنه مديريت مي‌نمود.

اينك به گزيده‌هايي ازديدگاه‌هاي هراري كه از طريق مصاحبه‌هاي هرروزه او با خبرگزارهاي و تلويزيون‌ها و رسانه‌هاي غربي صورت مي‌پذيرد مي‌پردازم. مصاحبه‌هايي كه به خوبي تحت پوشش ويژه خبري قرار گرفته و از آنها اطلاع‌رساني شده و چهره ايشان را برجسته و برجسته‌تر مي‌سازند!

در همه اين مصاحبه‌ها تلاش بر آن است تا چهره‌اي رازآلود و پيچيده و

حق به جانب و تا حدودی نجات بخش از هراری به جهان بشری عرضه شود!
از جملات و گفتارهای اوست:
ما انسانها، دیگر ارواح اسرارآمیزی نیستیم، ما حیوانات قابل هک شدن هستیم!

او در جایی دیگر اضافه می‌کند به نظرش رای‌دهندگان در سیستم‌های دمکراتیک مصلحت خود را تشخیص نمی‌دهند!!
یعنی عملاً دموکراسی بی‌دموکراسی!

و به سادگی میراث فلاسفه غربی مانند اسپینوزا، جان لاک، روسو، جان استوارت میل و... مبنی بر ضرورت حکمرانی براساس دموکراسی و رای و اراده و خواست مردم را به یکباره هوا می‌کند و قرن‌ها تلاش فیلسوفان غربی از دوران روشنگری تاکنون را به سینه تاریخ می‌سپارد!!
او در مصاحبه‌ای دیگر می‌گوید: در آینده‌ای نزدیک الیت حاکم بر جوامع بشری می‌توانند مغز انسانها و مردم را هک کنند. همان‌طوریکه هکرهای امروز، یک رایانه را هک می‌کنند و به سامانه آن دسترسی پیدا می‌کنند در آینده نزدیک هکرها با هک نمودن مغز انسانها، کنترل آنها را برعهده می‌گیرند!

او امروز مشهورترین فردی است که از ترکیب بدن انسان با رایانه و چیپ‌های رایانه‌ای دفاع می‌کند!

و معتقد است علم، تکامل از طریق انتخاب طبیعی (مفهوم داروینی تکامل) را منسوخ و به جایش طراحی هوشمند تکامل را جایگزین کرده، یعنی من بعد به جای خدا، علم برای انسان تصمیم می‌گیرد.

ریشه این تفکر در یهودیت از گذشته بوده، آنجا که یهود معتقد است خداوند بشر را مانند یک دستگاه ساخته و دیگر نمی‌تواند در سرنوشت او دخالتی داشته باشد و در قرآن کریم سوره مائده آیه ۶۴ آمده است: و قالت الیهودُ یدالله مغلوله، غُلَّت ایدیهم و.....

یهود گفت دست خدا بسته است به واسطه این گفتار دروغ مورد لعن و نفرین خدا قرار گرفتند و دست یهود بسته شد، بل دو دست قدرت خداوند گشاده است و هرگونه بخواهد بر خلق خدا انفاق می‌کند و... هرچند هراری عنوان می‌کند قبلاً به آیین یهود معتقد بوده و اینک خدا ناباور شده و به همین سبب توانسته است برخلاف آیین یهود همجنس‌گرایی را پیشه کند!

اما ریشه‌های باور به یهودیت در کلام و تفکر او هنوز وجود دارد.
هراری تقابل میان خیر و شر را بر مبنای کتب دینی ابراهیمی چیزی منسوخ و مربوط به گذشته می‌داند و بر آن است که القا کند انسان امروز، باید خود، خوب و بد خویش را تشخیص دهد و کاری به اخلاقیات تعیین‌شده از طرف خدا نداشته باشد.

هراری گرایش‌های ماتریالیستی و جبر زیستی بر تفکرش غلبه دارد و

معتقد است چیزی به نام «اراده آزاد» وجود ندارد. همانطوریکه مارکسیست‌هایی مانند فوئرباخ و وژ... مفهوم خدا و بهشت و جهنم و... را ابداع بشر میدانستند، هراری نیز اراده آزاد را ابداع بشر میدانند.

او از علم، یک مذهب جدید ساخته است و می‌گوید: دانشمندان در قرون جدید جای خدا را پر می‌کنند! دیدگاه او البته از گرایش پوزیتیویستی اثبات‌گرایانه وی در فلسفه علم ناشی می‌شود که تاریخ مصرف آن گذشته است و ابطال این فرضیه و فرضیه‌های مشابه ثابت شده است.

هراری در حال تئوریزه کردن خطر (هک شدن مغز انسان) در آینده نزدیک و لزوم وجود یک مرکزیت فرماندهی و کنترل واحد برای هدایت دیتای جهانی است.

مرکزی که قرار است مافوق همه حکومت‌ها و مرزهای ملی، کل انبای بشر را مدیریت نماید.

او ورود بشر را به سیستم‌های اعتبارسنجی هوش مصنوعی، سرنوشتی محتوم برای آینده بشریت پیش‌بینی می‌کند و معتقد است همه بشریت خواه ناخواه به آن تن خواهند داد.

او از ورود فناوری‌های کنترل و نظارت (زیستی) به درون بدن انسان می‌گوید و چپ‌گذاری در بدن انسان‌ها را ضروری و در آینده، محتوم می‌داند!!

او کووید ۱۹ را بهانه خوبی برای جاسازی حسگرهای زیر پوستی با هدف کنترل و نظارت هرچه بیشتر هوش مصنوعی در انسان‌ها معرفی می‌کند! به نظر می‌رسد هراری قرار است حرف‌هایی بزند که رویاهای کابوس‌گونه برای آینده بشریت است تا راه را برای گلوبالیست‌ها آماده کند. و در زمینه کنترل آینده بشریت فرهنگسازی نموده و راه را برای نقشه‌هایی که برای انسان‌ها کشیده‌اند هموار نماید!

از جمله باورهای مخرب هراری، اعتقاد به زیادی انسان‌ها در روی کره زمین است و می‌گوید بزرگ‌ترین مساله سیاسی، اقتصادی جهان امروز زیادی جمعیت است!

برای چه به این همه انسان نیاز است؟

و در پاسخ سوال مجری که از او می‌پرسد راه‌حل شما چیست؟ می‌گوید فعلا جمعیت را با دارو و رایانه باید راضی نگه داشت.

این دیدگاه‌های هراری تحت‌تاثیر استاد و رییسش «کلاس شواب» شکل گرفته و به وسیله او در حال انتشار و در گیر کردن اذهان عمومی بشریت در سطح جهانی است.

کلاس شواب و شرکایش مانند هنری کیسینجر، بیل گیتس، آنتونی فائوچی، مارک زاکر برگ، جرج سوروس و... سیاستمداران دست‌پرورده آنها در واقع

طراحان پشت پرده حرفها و اخبار و تحلیلهای هراري هستند. آنها پروژه‌های بزرگی برای بشریت پیش‌بینی کرده‌اند از جمله حذف مالکیت خصوصی، حذف پول نقد و قراردادن همه تراکنش‌های مالی بشر در بستر فناوری بلاک چین، حذف ملی‌گرایی و مرزهای ملی، تضعیف حاکمیت ملی کشورها، ایجاد سیستم کنترل اجتماعی مبتنی بر هوش مصنوعی و در صدد تقلیل جمعیت کم‌بازده و پرهزینه و مصرف‌کننده جهان، مانند میانسالان و پیران هستند و می‌روند که برای بشر امروز کارت شناسایی دیجیتال طراحی و صادر کنند که بدون آن زندگی کردن برای بشریت ممکن نباشد!

طرح‌ها و برنامه‌های آنها در راستای منقاد کردن کل بشریت است. کارت شناسایی دیجیتال جهانی، پروژه‌ای است که گرفتن هر خدماتی در جهان مانند اخذ پاسپورت، واکسن، ویزا، اقامت، سفر، اجاره هتل، ادامه تحصیل، خرید مسکن و فعالیت‌های اقتصادی و... منوط به داشتن آن در آینده است و از پروژه‌های مجمع جهانی اقتصاد (داووس) است!

حرفهای هراري از يك اتاق فکر در سطح جهانی طراحی میشود و توسط ایشان به عنوان پیشگویی آینده بشر و با حمایت رسانه‌های جهانی منتشر می‌گردد در واقع او برنامه‌های پشت پرده را تحت عنوان پیش‌بینی، برای آماده‌سازی ذهن جهانیان مطرح می‌نماید.

و طبیعی به نظر نمی‌رسد که يك مرتبه او با ما در مصاحبه با فرید زکریا می‌گوید من عاشق کتاب «مختصر تاریخ بشر» هراري شده‌ام.

همزمان بیل گیتس برای کتاب انسان خردمند او یادداشت می‌نویسد و يك مرتبه آنجلا مرکل و مکرون و جاستین ترود و... بسیاری از سیاستمداران جهانی به تجلیل از هراري می‌پردازند در حالی که فیلسوفان زیادی در تراز هراري و بلکه بسیار بالاتر از او در سطح جهانی وجود دارند اما از این پروپاگاندا و توجه سیاست‌بازان برخوردار نیستند!

همه اینها حکایت از ماموریتی دارد که یووال نوح هراري در دنیای امروز برعهده گرفته است و آن اینکه توجیه‌گر فلسفی و تاریخی و جاده صاف کن برنامه‌های استعمار هوشمند جدید باشد!

البته در تاریخ فلسفه اینگونه عملکردهای ناصواب توسط معدود فیلسوفانی که آلت دست سیاستمداران و کارتل‌ها و تراست‌های جهانی قرار گرفته‌اند در گذشته نیز وجود داشته است. همانطوری که هایدگر توجیه‌گر تجاوزات و کشتار ۸۵ میلیون مردم جهان در جنگ جهانی دوم توسط هیتلر بود و به‌رغم داشتن صلاحیت‌های علمی بسیار بالاتر از هراري، به بشریت خیانت نمود، اینک به نظر می‌رسد هراري ماموریت مشابهی را در جهان معاصر، علیه بشریت برعهده گرفته است!

دکترای فلسفه تطبیقی

منبأ: □□□□□□ □□□□□□ 7 □□□□□□ 1402 □□□□□□